

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

نویسنده: رابرت دریفوس  
برگردان از: داکتر فرهاد زرگر  
۱۴ سپتمبر ۲۰۱۷

## گروگان نزد خمینی

۱۷



فصل نهم

«در آستانه عصر تاریکی جدید»

«می‌دانیم که چطور روزه بگیریم» آیت‌الله خمینی در پاسخ به احتمال تحریم اقتصادی جهانی ایران در نومبر ۱۹۷۹ با فریاد گفت: «ما گندم و جوهای را که در کشورمان کشت می‌کنیم، می‌خوریم. ما گوشت را هفته‌ای یک بار می‌خوریم. خوردن گوشت، ب‌آزهرحال، چیز خوبی نیست. ما کشور ۳۵ میلیونی هستیم و بسیاری از این مردم ما منتظر شهادت هستند، ما ۳۵ میلیون را بسیج می‌کنیم. بعد از این که تمامی آنها شهید شدند، آنوقت آنها می‌توانند که هر کاری که می‌خواهند با ایران بکنند».

تهدید خمینی به این که ایران را به ملتی از شهداء تبدیل کند، حالا فاجعه ۹۰۰ نفر از اعضای فرقه معبد خلق جیم جونز در جنگل گایانا را در نظر بگیرید و آن را به درجه‌ای به اندازه یک ملت، بزرگ کنید. فقط چند ماه بعد از این که خمینی به قدرت رسید، کشف خبر زشت و کریه‌کشتر تقریباً نیمی از جمعیت کامبوج به پشتیبانی دولت چین، جهان را به لرزه درآورد. زیر نظر دقیق هزاران مشاور چینی کمونیست، رژیم پول پوت\* و اینگ ساری به طور سیستماتیک بیش از ۳ میلیون از مرد و زن و بچه از ۷ میلیون نفر ساکنین کامبوج را در مدت کمتر از ۴ سال شکنجه داد و کشت. تعداد زیادی بازدیدکننده که بعد از سرنگونی پول پوت وارد کامبوج شدند، گورهای دسته‌جمعی با تعداد زیادی از

استخوان‌های انسان، و کمپ‌های دسته‌جمعی در آن کشور یافتند که این مناطق اول برای کارگران مزارع کشاورزی به کار می‌رفت و بعد بسادگی تبدیل به کشتارگاه دسته‌جمعی شده بود.

پایتخت کامبوج پنوم پن تقریباً به طور کامل مخروبه است و شهر مردگان است، با ماشین‌های زنگ زده در کناره خیابان‌ها، علف در مسیرها سبز شده و حیوانات در مخروبه‌ها و آشغال‌دانی‌های خیابان‌ها لانه دارند. کتاب‌های کتابخانه ملی به غارت برده شد، تمام کارخانه‌ها تکه‌پاره شده، بانک‌ها بمباران شده و پول ملت سوخته شده. دولت پول پوت، آنقدر از تکنولوژی به هر فرم و حالتی تنفر داشت که حتی وسایل آشپزخانه هم نابود شدند. حالا رژیم خمینی تهدید می‌کند که فاجعه کامبوج را زنده کند، یک ملت کوچک که جمعیتش با فشار حرکت به سوی مزارع و دهکده‌ها به نصف کاهش یافت، حالا در ایران، ملتی که در راه حرکت به سوی قدرت صنعتی بوده است، می‌خواهد به هروسيله در ایران، مردم را قتل عام کند، البته نه با اسلحه، بلکه با جنگ مذهبی دیوانه‌واری که پیروان مذهبی خمینی (از نوع جیم جونز) را احاطه کرده است.

این اغراق نیست، ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور ایران در دسامبر ۱۹۷۹ در یک مصاحبه با لوموند فرانسه به سیاست خالی کردن سیستماتیک شهرهای ایران اقرار کرد، او گفت: «تهران یک شهر عظیم است، شهری است، که به تنهایی نصف مصرف مردم کشور را جذب می‌کند و یک فشار بی‌حد بر روی بودجه کشور است. ما با ایجاد واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی در استان‌های دیگر، جمعیت تهران را کم خواهیم کرد.»

از بنی‌صدر سؤال شد که آیا این به معنای علاقه‌مندی به راه حل کامبوج برای ایران است، او پاسخ داد: «بله، اما بدون نیروی اسلحه، بلکه با اعتقاد دینی و تشویق کردن افراد.»

تقریباً در مدت دو سال حکومت خمینی، کامبوجیزه کردن در ایران شروع شده. قانون «اعتماد و تشویق» برای ایران، وجود ۲۰۰ هزار آخوند است که هم‌اکنون به حریم خصوصی ملت تجاوز کرده و تمام جوانب زندگی روزانه مردم کشور را کنترل می‌کنند. در کامبوج گاردهای چینی و خمر سرخ، قتل عام را با بیان این جمله که «این کار باید انجام شود، دستور انگکار است» به اجراء در می‌آوردند. در ایران اما، ملاها می‌گویند که در قرآن نوشته شده، یا خواسته خداست یا فرمان امام است. در کامبوج انگکار بی‌شکل و نا پیداست، در ایران قیافه خمینی است. نتیجه یکی است: کاربرد وحشیانه سیاست نابودی توده‌هاست.

در ایران امروز، تنبیه برای قیام علیه قوانین ملاها، علنی است بعد از محاکمه به وسیله دادگاه انقلاب، زنان را به اتهام رابطه نامشروع یا روسپیگری، علناً در میدان‌ها اعدام می‌کنند. مجرمین جنائی که محکوم شده‌اند به طور دسته‌جمعی در گوشه‌های خیابان اعدام می‌شوند، بنا به گفته یک ملا: «مردم باید درس بگیرند». جنایات جزئی و کوچک، جرمش شلاق در ملا عام است، و رابطه زنان شوهردار با مرد دیگر باعث سنگسار شدن او به مرگ می‌شود. یک زوج زن و مرد که به اصطلاح ملاها علیه دستورات اسلام عمل کرده بودند، آنها را تا شانه‌هایشان در خاک فرو کردند و بعد از فاصله چند متری به وسیله گروهی از ملاها که الله اکبر می‌گفتند به سوی آنها سنگ پرتاب می‌شد. اول سنگ‌های ریز که زخم‌های دردآور و خون آلود ایجاد کرد و سپس سنگ‌های بزرگتر که استخوان‌هایشان را شکسته و در آخر سرشان را خرد می‌کرد.

ملاها، مانند برادر بزرگ جورج اورول (George Orwell) ۱۹۸۴، همه جا حاضر هستند. رادیو و تلویزیون ایران اکنون به آنچه که مردم ایران می‌گویند ملایزیم تبدیل شده، مهم نیست چه وقتی از روز باشد، تلویزیون به جز قیافه ملاهای با ریش و عمامه که با نماز می‌خوانند و یا قرآن تلاوت می‌کنند، هیچ چیز دیگری ندارد، آنچه هم که به نام اخبار در ایران می‌آید، به وسیله ملاها پخش می‌شود. اجازه تفریح- سینما، کلوب شبانه و سالون‌های رقص هیچ کدام داده نمی‌-

شود. مشروبات الکلی تحریم شده است. در حالی که تریاک فراوان است. قبلاً در جریان انقلاب، خمینی نواختن هر نوع موسیقی، راک اند رول، و نیز موزیک‌های کلاسیک باخ و بتهوون را با برچسب «محصول زشت شیاطین غرب» ممنوع کرد.

در تابستان ۱۹۸۰، از رادیو و تلویزیون اعلام شد که مسلمانان به مبلان نیازی ندارند. در مدت یک هفته تمام فروشگاه‌های وسایل خانه بسته شدند و کارخانه‌های مبلان سازی تعطیل شدند. فتوای دیگری مثل این، گل فروشی‌ها، عطر فروشی‌ها و لوازم آرایش و بسیاری از فروشگاه‌های مواد مصرفی را به تعطیلی کشاند.

وقتی خمینی دستور داد که برای مسلمانان خوردن گوشت یخ‌زده ممنوع است، ورود گوشت ناگهان متوقف شد و ایرانیان اکنون با کمبود مواد غذایی روبه‌رو هستند. تأثیر این عوامل بشدت بیکاری را بالا برده و آفت سریع هم در مصرف مواد ضروری و هم مواد لوکس و زینتی داشته است.

ناآگاهی، ستون فقرات رژیم خمینی است. وقتی که ملاها دریافتند که نمی‌توانند به وفاداری نیروی نظامی اعتماد کنند، تصمیم گرفتند که چندین ملا در هر پایگاه نظامی مستقر کنند که حرکات ارتشیان را زیر نظر داشته باشند، اما بدون داشتن زمینه اطلاعاتی از نظامی‌گری و با ناآگاهی کامل از علوم و تکنولوژی، ملاها به هر حال به رؤسای ارتش در پایگاه فرمان می‌دادند. یک مرتبه وقتی که گفتند ماهواره‌های فضایی امریکا از بالای سر ما حرکت می‌کنند، ملاها در پایگاه به نیروی هوایی گفتند که بلند شوند و آنها را سرنگون کنند! همچنین گذشته فرهنگی ملت به وسیله ملاها به توحش و نابودی کشیده شده است. گروه‌هایی از ملاهای بنیادگرا باور دارند که وظیفه آنهاست که باقیمانده‌های تمدن قبل از اسلام را در ایران نابود کنند و با پتک همه جا در خارج از شهرها به دنبال این آثار تاریخی می‌گردند و یک به یک به بناهای تاریخی و قدیمی فرهنگ ایران حمله می‌کنند و بناهای با ارزش بسیار قدیمی را خراب و نابود می‌کنند، که البته ضربه بزرگی به تاریخ گذشته ایران است. امروز ایران به وسیله افرادی اداره می‌شود که تفکر آنها مربوط به دوره‌های قرون وسطی است. برگشت ایران به دوره توحش قرون وسطی نه تنها به وسیله رژیم خمینی تشویق و ترغیب شده، بلکه همچنین به وسیله دولت‌هایی که خمینی را به قدرت رسانده‌اند پشتیبانی می‌شود. رمزی کلارک در یک مصاحبه به گروهی از گزارشگران گفت: «تصور شاه درباره انرژی اتمی یک خیال‌بافی بیش نبود، برای این که در آن زمان انرژی اتمی یک واقعیت ملی نبود و فقط تقلیدی از مدل‌های کشورهای دیگر بود و داشتن آن در ایران به وسیله بنی-صدر به عنوان یک اقتصاددان برای مدت بیش از ۲۰ سال محکوم گردید. من بنی‌صدر را به خوبی می‌شناسم، کتاب نفت و اغتشاش و نابودی نوشته او، آ روزی داشتن انرژی اتمی را بدرستی کنار می‌گذارد.» توماس ریکس از دانشگاه جورج تاون همچنین برنامه بنی‌صدر را به وضوح بیان می‌کند. ریکس گفت که رئیس جمهور ایران گروه‌های ملی داوطلب علاقه مند به مدل چینی برپا می‌کند، اما به جای حرکت از روستاها، از داخل شهرها شروع می‌شوند. رژیم اصرار دارد که ایرانیان متولد شهرها مشمول این حرکت می‌شوند. رژیم پول پوت در کامبوج نشان داده است که چنین سیاستی نتیجه‌اش چیست. اکثریت ۲ میلیون کامبوجی که به قتل رسیدند، از پنوم پن بودند، حرکت اجباری ۲ میلیون از ساکنین شهر دو روز بعد از ورود خمر سرخ به شهر شروع شد. از این جمعیت ۲ میلیون نفری فقط تعداد انگشت-شماری زنده ماندند.

پشتیبانان و مبلغین بنی‌صدر در کشورهای غربی این سیاست را به این صورت توجیه می‌کنند که در ایران این کار نه با اسلحه، بلکه به وسیله اعتقاد و تشویق مردم در شهرها و به نام اسلام و پایان دادن به کلیه انواع «غرب‌گرایی» انجام خواهد شد، این مبلغین ادعا می‌کنند که این سیاست به جنایات «قومی‌گشی» نیز خاتمه خواهد داد.

این اصطلاح را ریچارد فالک مؤسس کمیته آزادی هنری و روشنفکری در ایران از دانشگاه پرینستون می‌گوید که «قومی‌کنشی» یعنی از ریشه‌کندن عمدی خصایل و منش‌های فرهنگی یک ملت، به طوری که تمامی خصلت‌های خوب مردم ایران را مورد اتهام قرار می‌دهد. به نظر فالک صنعتی کردن ایران «قومی‌کنشی» است، در برابر آن از دیدگاه او عمل شنیع زنجیر زنی و قمه زنی در مراسم مذهبی به وسیله فرقه‌های دیوانه شیعی، شایسته است که به مانند یک روش معتبر و مورد اعتماد فرهنگی محفوظ بماند!

در حقیقت زنجیر زدن و سینه زدن نشان دهنده بی‌ارزش کردن بیش از حد افراد به وسیله خودشان است، که یک ملت را به درجه شهادت راهنمایی می‌کند. اما موضوع «قومی‌گرائی» یک فریب محض است و اصطلاحی است که نابودی یک ملت را به طرفداری از منافع کشورهای غرب تسریع می‌کند. ایران برای منافع انگلیس که خمینی را به قدرت رساند، نمونه این ایده شده که «ملت‌های در حال توسعه هیچ گاه نباید از بدبختی رهانیده شده و در رده جهان مدرن صنعتی قرار گیرند. یک مسافر در سال ۱۹۸۰ درباره ایران می‌گفت که «پروژه‌های ساختمانی را به ردیف به چشم دیدم که مانند مردارهای بزرگی به دنبال هم و ناتمام تا افق صف کشیده بودند و بسیاری از مردم هم بیکار هستند. تا زمان به قدرت رسیدن خمینی، ایران شاید اولین کشور نمونه از کشورهای در حال توسعه در جهان بود، که به سوی صنعتی شدن پیش می‌رفت. نیروی اقتصادی پشتیبان صنعتی شدن کشور، تولید نفت زیر نظر شرکت ملی نفت ایران بود. در سال ۱۹۷۸ شرکت ملی نفت ایران، احتمالاً بزرگترین شرکت نفت جهان بود. در سال قبل از انقلاب ایران بیش از ۶ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کرد. و با برنامه‌های توسعه عمرانی در نظر داشت که میزان استخراج نفت را به سرحد ۷.۲ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. اما صادرات امروز نفت ایران (۱۹۸۰) کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز است.

مشاوران اقتصادی شاه همچنین برای آینده که نفت ایران تمام می‌شود، برنامه‌ریزی کرده بودند. در سال ۱۹۷۸، سی و دو پایگاه انرژی اتمی یا در حال ساخت و یا در طرح و نقشه اجراء برای آینده بود، و بیشتر آنها قرار بود که تا سال ۱۹۹۰ به بهره‌برداری برسند. فرانسه و آلمان ۳۰ میلیارد دالر قرارداد ساختمان و نصب پایگاه‌های انرژی اتمی داشتند. در سال ۱۹۷۸ ایران همچنین با آمریکا برای یک قرارداد ۲۵ میلیارد دالری وارد مذاکره شد. ولی قرارداد به علت مخالفت دولت کارتر برای دستیابی دولت ایران به تکنولوژی انرژی اتمی اصلاً امضاء نشد. ایران همچنین جست و جو برای یافتن و بهره‌برداری از منابع عظیم اورانیوم در کشور را شروع کرد. پروژه انرژی اتمی یکی از افتخارات دانشمندان و مهندسان ایرانی بود.

صنایع ذوب‌آهن مرکز ثقل تغییر ایران به یک ملت صنعتی بود. کارخانه بزرگ صنایع ذوب‌آهن آریامهر که به وسیله شوروی در اصفهان ساخته شد، شاهد زنده پیشرفت صنعتی در کشور بود. در سال ۱۹۷۸ ذوب‌آهن آریامهر سالانه ۱.۹ میلیون تن آهن و فولاد تولید می‌کرد. و پیش بینی می‌شد که تا سال ۱۹۸۵ تولید آن به ۸ میلیون تن در سال برسد، که آن را به یکی از بزرگترین کارخانه‌های جهان تبدیل می‌کرد. شرکت ملی صنعت فولاد ایران، همچنین شروع به ساخت چندین تأسیسات دیگر نمود، که در بعضی از آنها از تکنولوژی پیشرفته ابزار کاهش گازهای سمی استفاده می‌شد. اگر انقلاب همه برنامه‌ها را در هم نریخته بود. با ایجاد کارخانه‌های جدید دیگر در اهواز، بندرعباس، اصفهان، و مناطق دیگر ظرفیت تولید فولاد در ایران به بیش از ۱۵ میلیون تن در سال بالغ می‌شد. بخش فولاد، همچنین به مثابه دانشگاه آموزش صنایع به ایرانیان بود. کارخانه اصفهان مرکز آموزش کارگران ماهر و نیمه ماهر، مهندسان، و مدیران برای تمام کشور بود. یکی از مدیران شرکت ملی صنایع فولاد قبل از انقلاب گفت که «درآمد ما نه فقط از فروش فولاد است، بلکه از سرمایه‌نامحسوس دارائی‌های کارآموزی است. ما یک بازده بزرگ در کارگر داریم و این دقیقاً همان هدف

دولت است، کارگران در اینجا یک حرفه یاد می‌گیرند و با خود به هر جا که احتیاج باشد آن را می‌برند، در واقع ما یک مدرسه رسمی، و یک مرکزی برای آموزش ۷ هزار دانش‌آموز داریم.

معدن مس سرچشمه در سال ۱۹۷۹، با تولید ۱۴۲ هزار تن مس در سال، ایران را به ششمین بزرگترین تولید مس در جهان تبدیل کرده، ظرفیتی بیش از ۴۰۰ میلیون تن مس در زیرزمین دارد. یک شهر کامل با جمعیت ۲۵ هزار نفر در کنار معدن سرچشمه ساخته شده که در آنجا کارخانه‌های ذوب و تولید و فابریک‌سازی قرار دارد. تبریز همچنین دومین شهر صنعتی ایران، مرکز کارخانه‌های بزرگ صنایع ماشین‌سازی و ابزار است. در اینجا یک مجموعه چندین میلیارد دلاری، با کمک فرانسه و آلمان غربی ساخته شده و سالانه ۱۰ هزار تن مته، پمپ، ماشین‌های چوب‌بری، آسیاب، کمپرسور و ماشین پرس تولید می‌کند. از سال ۱۹۶۶، تبریز مرکز ماشین‌آلات و ابزار صنعتی و نیز مرکز تراکتورسازی، و کارخانه‌های اینجین و موتورسازی و نیز کارخانه‌های مونتاژ ماشین‌باری و اتوبوس و صنایع سنگین دیگر شده است. با رشد صنایع در این شهر، هزاران ایرانی به شهر تبریز روی آورده و جذب بازار کار شده اند. تبریز مانند اصفهان هزاران مدیر و کارگر کارآموده برای صنایع کوچکتر در مدارس کارآموزی تربیت می‌کند. ۱۰ درصد دیگر نیروی کار در صنایع اتومبیل‌سازی، که در شرکت تولید صنایع اتومبیل ملی است مشغول به کار بودند. در ظرف ۶ ماه بعد از انقلاب خمینی، کار پیشرفت و توسعه‌ای که می‌خواست ایران را از قرون وسطی به جلو ببرد، کاملاً متوقف شد. فوراً ۵۲ میلیارد دلار قرارداد در دهها پروژه توسعه در کشور لغو شد. این وضع منجر به یک کساد و رکود اقتصادی شد که صدها پروژه کوچکتر را نیز با خود به تعطیلی کشاند.

در میان پروژه‌های لغو شده چندین کارخانه تولید انرژی اتمی بود که در مرحله پیشرفته نزدیک به اتمام بودند، و حداقل ۱۵ میلیارد دلار ارزش داشتند. توسعه فرودگاه تهران با ارزش ۱.۱ میلیارد، سیستم متروی تهران که ۱.۳ میلیارد و کارخانه و معادن مس سرچشمه به ارزش ۱.۹ میلیارد بود که ۹۰ درصد کار آن به اتمام رسیده بود. کارخانه فولاد بندرعباس به ارزش ۲.۹ میلیارد دلار و پروژه عظیم تزریق گاز در چاه‌های نفت خوزستان برای استخراج بیشتر نفت از چاه‌های نفت به ارزش ۶ میلیارد دلار بود. همچنین پروژه کارخانه پتروشیمی بندر شاهیور به ارزش ۳.۳ میلیارد دلار به وسیله میتسوی جاپان، در دست اقدام بود و نیز برنامه ساختمان دومین لوله ارسال گاز، به نام آیگات ۲ به شوروی به ارزش ۳ میلیارد دلار، و یک میلیارد دلار سیستم مخابرات و چندین پروژه ساختمان خطوط راه‌آهن و یک بندر جدید در بندرعباس و نیز کارخانه تصفیه نفت و کارخانه کشتی‌سازی، تولید فولاد و پروژه‌های خطوط برق رسانی به سراسر کشور بود.

ادامه دارد

#### یادداشت:

این که انقلاب ایران با رشد نیروهای مولده در آن کشور چه مناسباتی برقرار نمود و آیا واقعاً انقلاب آن کشور را در زمینه تولید به قرون وسطی پرتاب نمود و یا خیر، گذشته از آن که امریست تحقیقی که از عهده این مقال بیرون است، در خطوط اساسی و اولی خود برخورد به آن، از جمله وظایف نیروهای انقلابی و ترقیخواه ایران است، تا بدان بپردازند، و اما این که رژیم "پول پوت" قاتل خلق کامبوج معرفی گردد، نمایانگر آن است که مطالعات نویسنده، بیشتر از آن که بر مبنای تحقیق بیطرفانه استوار باشد، برخاسته از هیاهوی تبلیغاتی رسانه‌های وابسته به امپریالیسم می‌باشد. رسانه‌هایی که کمونیست ستیزی را از "ستالین" شروع نموده، با صدر "مانو" و "پول پوت" ادامه داده اند.

وقتی اینک به آنچه در کامبوج گذشت می نگریم، مشاهده می شود که رژیم "پول پوت" نخستین قربانی سازش تاریخی  
قدرت های امپریالیستی با سوسیال امپریالیزم شوروی آنروز و رویزیونیست های سه جهانی بود.

اداره پورتال AA-AA